

# یخبندان

توماس برنهارت

ترجمه زینب آرمند

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

انتشر بیگل

Bidgol Publishing co.

www.ketab.ir

سرشناسه: برنهارت، توماس، ۱۹۸۹ - ۱۹۳۱ م. Bernhard, Thomas

عنوان و نام پدیدآور: یخبندان / توماس برنهارت؛ ترجمه زینب آرمند

مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص؛ ۱۹×۱۳/۵ س. م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۳-۱۵۱-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Frost [1963]

موضوع: داستان‌های آلمانی -- قرن ۲۰ م

موضوع: German Fiction -- 20th Century

شناسه افزوده: آرمند، زینب، ۱۳۶۲، مترجم

رده‌بندی کنگره: PTT۶۶۴

رده‌بندی دیویی: ۸۳۳/۹۱۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۶۱۵۱۵۷

Frost

Thomas Bernhard

Suhrkamp, 2012

www.ketab.ir

یخبندان

توماس برنهارت

ترجمه زینب آرمند

ویراستار: میترا سلیمانی

نمونه خوانی: تحریریه بیدگل

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، پاییز ۱۴۰۳ تهران، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۳-۱۵۱-۶

تدوین: |  Bidgol Publishing co. |

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

bidgol.ir

www.ketab.ir

هدف از راه‌اندازی مجموعه ادبیات داستانی نشر نیلوفر آن بوده که با بهره‌جستن از تجارب گذشته این نشر و با یاری مترجمانی خوب و زیاده‌دل، در کنار مهارت هنری و فنی سایر اعضای نشر، ترجمه‌هایی خوب و دقیق از آثار ادبی ارائه شود که درخور نام نویسندگان و آثار این مجموعه باشد.

به‌جز توجه به زیبایی و پیراستگی ظاهری و محتوایی ترجمه‌ها، می‌خواهیم آثاری از فرهنگ‌های مختلف در اختیار خواننده فارسی‌زبان قرار دهیم و تلاشمان بر آن خواهد بود که متن‌ها ترجیحاً از زبان اصلی‌شان برگردانده شوند و بدین ترتیب، امید آن داریم که خواننده فارسی هم بیشتر بخواند هم دقیق‌تر.

نصراله مرادیانی

## فهرست

۱۱	یادداشت مترجم
۱۹	یخبندان
۲۱	روز اول
۲۳	روز دوم
۳۱	روز سوم
۴۱	روز چهارم
۴۵	روز پنجم
۵۷	روز ششم
۶۵	روز هفتم
۹۷	روز هشتم
۱۰۷	روز نهم
۱۲۱	روز دهم
۱۳۱	روز یازدهم
۱۳۹	روز دوازدهم
۱۵۱	روز سیزدهم

۱۶۱	روز چهاردهم
۱۷۹	روز پانزدهم
۲۰۳	روز شانزدهم
۲۱۳	روز هفدهم
۲۲۳	روز هجدهم
۲۳۵	روز نوزدهم
۲۵۳	روز بیستم
۲۶۱	روز بیست و یکم
۲۷۱	روز بیست و دوم
۲۸۷	روز بیست و سوم
۲۹۳	روز بیست و چهارم
۳۰۵	روز بیست و پنجم
۳۱۷	روز بیست و ششم
۳۲۹	نامه‌هایم به دستیار اشتراخ
۳۴۳	روز بیست و هفتم
۳۵۵	پی‌نوشت‌ها
۳۵۹	فهرست نام‌ها

## یادداشت مترجم

توماس برنهارت، رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس اتریشی، در دهم فوریه ۱۹۳۱ متولد شد. او یکی از برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شخصیت‌های ادبی قرن بیستم است و آثارش از بزرگ‌ترین دستاوردهای ادبیات آلمان پس از جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌روند. برنهارت نویسنده‌ای عجیب و بی‌همتاست. در بدینی عمیق او به همه چیز، طنز تلخ او و تمایلش به موبدک‌های طولانی می‌توان شباهت‌هایی با بکت یافت، با این حال برنهارت سبکی اصیل و منحصر به فرد دارد. نویسنده‌های آلمانی‌زبان کمی هستند که خوانندگانشان آثار آنها را چنین مصرا به‌دلیل کنند. نویسنده‌های کمی هستند که از رهگذر بازی هوشمندانه‌شان با کلمات، چنین تمایزهای پر قدرت و دلهره‌آوری از آدم‌ها و مکان‌ها پدید آورند.

برنهارت عمدتاً از جامعه روستایی اتریش می‌نویسد — جامعه‌ای که آشکارا هنوز از زخم‌های عمیق دو جنگ جهانی رنج می‌برد — و با اینکه شاید در نوشته‌هایش به ندرت اشاره‌ای مستقیم به فجایع جنگی داشته باشد، آثار آن در حال و روز شخصیت‌های درون‌گرایش هویداست. این درون‌گرایی به وضوح در زبان برنهارت هم دیده می‌شود، زبانی که مانند گردابی خشن و بی‌رحم خواننده را احاطه می‌کند و او را به کام خود می‌کشد. نویسنده‌های کمی توانسته‌اند این خشونت و سواس‌گونه را چنین بی‌پرده در آثارشان خلق کنند.

می‌توان گفت آثار برنهارت دنباله‌رو دو سیر فکری‌اند؛ در آثار ابتدایی او تارمان بازنویسی<sup>۱</sup> دغدغه مسائل وجودی و نگاه نیهیلیستی برنهارت نمود بیشتری دارد و در آثار بعدی‌اش مشکلات اجتماعی برجسته‌تر می‌شوند. با این حال، آخرین رمان او، انقراض<sup>۲</sup>، نشان می‌دهد که مرحله دوم تفکر او چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. و ریشه‌های ناامیدی برنهارت در آسیب‌های تاریخ اتریش قرن بیستم نهفته است. نیهیلیسم او به معنای نیچه‌ای به نوعی توجیه عقلانی آسیب‌های شخصی است که تاحدی بازتابی از واقعیت اجتماعی اتریش بوده. در نهایت هم تنها عمل نوشتن بود که امکان بیرون آمدن از این ناامیدی نیهیلیستی را برای او فراهم می‌کرد. برنهارت چنان از ریاکاری فرهنگ اتریشی متنفر بود که چاپ و انتشار آثارش را حتی پس از مرگ در وطنش غدغن کرده بود، گویی این وطن حتی لایق تنفر او هم نبود. مسئله برنهارت فقط یک کشور و جنایات سیاسی‌اش نبود، برای او خود زندگی بزرگ‌ترین توهین ممکن به حساب می‌آمد. همان نکته‌ای که فیلسوف رومانیایی، امیل چوران، از آن به عنوان «مشکل متولد شدن» یاد می‌کند.

رمان‌های رادیکال او که گاهی در کتاب‌های راکرفی واحد و ناگسستی نوشته شده‌اند، شرحی جنون‌آمیزند از بیهودگی زندگی؛ از جدایی با خانواده و منطق انکارناپذیر خودکشی؛ از دیوصفتی انسان؛ از درد خفت آور زنده بودن. زبان برنهارت همان مرزهای منفی‌گرایی عبور کرده است. پرداختن به اندوه آدم‌هایی که جهان را تحمل‌ناپذیر می‌بینند هنر برنهارت است و شخصیت‌هایش نه تنها از رفتن تا پشت دروازه‌های مرگ ابایی ندارند، بلکه مشتاقانه به آن سو می‌دوند، بر دروازه می‌کوبند و برای وارد شدن التماس می‌کنند. همان‌طور که اشتراخ نقاش، شخصیت دردکشیده یخبندان در جایی از کتاب می‌گوید، ما «ناگزیر در قید اعماق پرتگاهی هستیم که درون ماست.» حتی اگر به بهای نابودی‌مان تمام شود.

برنهارت بیش از آنکه داستان‌سرایی روایی باشد، معمار آگاهی در خواننده است. خودش این آگاهی را در خواننده طراحی می‌کند، می‌سازد، تخریب می‌کند و بعد از



نویسی می‌ریزد. کار او روایت جهان شناخته شده و شخصیت‌های سراسر آن نیست، کار او ایجاد حالات پیچیده ذهنی در شخصیت‌هایش — که اغلب دچار خودبیزاری و وسواس‌اند — و بعد نابود کردن آنهاست. شخصیت‌های برنهارت در نابودی خود شریک جرم‌اند و زبان‌شان به طرزی جنون‌آمیز پُر تکرار، تلخ و منطق‌گرایانه است. عقلانیت فریبنده زبان برنهارت پیوسته در پی برتری جویی است و تلاش می‌کند شخصیت‌ها را هر چقدر هم که لجام‌گسیخته و مجنون به نظر برسند، باورپذیر جلوه دهد. این زبان فقط وقتی پُر تکرار می‌شود که هدف رسیدن به مفهومی عمیق‌تر و جدی‌تر باشد. در آثار برنهارت خبری از مفاهیم مثبت، شخصیت‌های شاد یا پایان خوش نیست. شخصیت‌های او هر فرصتی برای رسیدن به امید یا شادی را پس می‌زنند، درست برعکس آنچه هر کسی — هر کسی که به محافظت از خود می‌اندیشد — از کتاب‌ها انتظار دارد. شخصیت‌های اصلی در آثار او با اختیارات کامل یک دادستان از زندگی بازجویی می‌کنند و هدف آن کشف حقیقت هولناک می‌یابند. برنهارت اغلب شخصیت‌هایش را در وضعیتی مخاطره‌آمیز قرار می‌دهد. درست زمانی که رنجشان به سرحد خود می‌رسد، به توصیف آنها می‌پردازد. این رویه برنهارت به خواننده امکان مواجهه با تجربه‌ای غیرمعمول را می‌دهد، تجربه مشاهده افرادی که هیچ‌کدام از هرگونه توهم در بغرنج‌ترین شرایط احساسی، در کشمکش با ترس‌هایی که هیچ‌کدام از ما توانایی انکارشان را نداریم، دست به عمل می‌زنند. شخصیت‌های اصلی کتاب‌های او مثل آدم‌های عادی به انکار و گریز پناه نمی‌برند و با یورش بی‌پروایانه‌شان به سوی مرگ تصویری متناقض از قهرمانانی شکست‌خورده در ذهنمان می‌سازند. همه فکر و ذکر آنها مرگ است و به لحاظ روان‌شناختی از خشن‌ترین، خشمگین‌ترین و افسرده‌حال‌ترین شخصیت‌های تاریخ ادبیات‌اند. خلاقیت برنهارت در خلق شخصیت‌های تلخ و منفی‌گرا از همه معیارها و سنج‌های موجود در این زمینه تخطی می‌کند. از طرف دیگر، تمایل او به حضور یک زاوی مشاهده‌گر در آثارش، درد و رنج شخصیت‌های

اصلی را تعدیل و به طریقی جبران می‌کند. در تمام آثار او روایانی وجود دارند که وظیفه اصلی شان گوش دادن به این شخصیت‌های دردکشیده و مشاهده دقیق رنج آنهاست. برنهارت عموماً از تکنیک‌هایی در نشر استفاده می‌کند تا پیام اصلی آثارش را پیچیده‌تر کند (پیام‌هایی ساده مثل «زنده بودن دردناک است و بهتر است خودمان را بکشیم» به پیچیده‌ترین حالت ممکن به خواننده منتقل می‌شود). آثار برنهارت هر کدام نسخه‌ای متفاوت از رقص مرگ است که نویسنده در هیئت نوازنده‌ای استادکار مدام طراحی‌اش را تغییر می‌دهد.

یخبندان، اولین اثر برنهارت، نخستین بار در سال ۱۹۶۳ به زبان آلمانی منتشر شد. برنهارت در مقام یکی از پیشتازان رادیکال ادبیات نیهیلیستی قرن بیستم، این کتاب را در قالب جریان منشور پیوسته و بی‌وقفه‌ای نوشته که بعدها به مشخصه بارز آثار او بدل شد. یخبندان نکوهش همه چیزهاست، از بزرگ گرفته تا کوچک، تراژدی-کمدی‌ای از محدودیت و هستی. با اینکه اولین اثر برنهارت است و ظرافت رمان‌های متأخرش را ندارد، به نوعی نظری است از فوران شورواشتیاق او به رویارویی با مرگ، نزدیک شدن به آن و شرح روایی مفصل و متهورانه از عظمت عرصه‌ای که به ندرت در تخیل کسی می‌گنجد.

یخبندان بلندترین، تلخ‌ترین و شاید نیهیلیستی‌ترین اثر برنهارت، به طرز بی‌رحمانه صادق است، تا جایی که خواندش برای خواننده تجربه‌ای مهیب و دشوار را رقم خواهد زد. همان‌طور که راوی در پایان کتاب درباره‌ی گزارش خودش می‌گوید: «می‌توانستم همه چیز را از نو بخوانم، ولی با این کار فقط خودم را به وحشت می‌انداختم.»

راینر شولته<sup>۳</sup> در مقاله‌ای درباره‌ی ترجمه می‌گوید منتقدان به متن می‌اندیشند، درحالی‌که مترجمان به تمام جزئیات آن از ابتدا تا انتها فکر می‌کنند تا درکش کنند. از طرفی، برنهارت در خودزندگی‌نامه‌اش می‌گوید: «زبانی که من به آن صحبت می‌کنم زبانی است که فقط خودم می‌فهمش، نه هیچ‌کس دیگر. همان‌طور که هرکس به زبانی صحبت می‌کند که تنها خودش می‌فهمد. کسانی که فکر می‌کنند زبان دیگران را

می فهمند، یا ابله‌ند یا شارلاتان.»<sup>۱</sup> حال باید پرسید که چطور کسی (مترجمی) می‌تواند متنی را بفهمد که برنهارت ادعا می‌کند کسی جز خودش آن را درک نمی‌کند؟ چطور می‌توان متنی را درک کرد که خودِ خودِ برنهارت است؟ تصور می‌کنم که من مترجم با انتخاب برنهارت این خطر را به جان خریده‌ام که یا ابله انگاشته شوم یا شارلاتان.

زینب آرمند

پاییز ۱۴۰۱

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)